

مجموعه گفتارهای علمی اخلاقی

حضرت آیت الله یثربی دامت برکاته

## به سوی معرفت

تفسیر آیات ولایت و امامت

اراده کردگار

طهارت ائمه اطهار علیهم السلام

۲۱ مهر ۱۳۸۹

۵ ذی القعدة ۱۴۳۱

تکثیر این جزوه

با رعایت محتوا، حفظ امانت در نقل و ذکر مأخذ مجاز است

## بیت‌الْحَرَامِ

« الحمد لله رب العالمين وصلى الله على سيدنا محمد وآله الطاهرين ولعنة الله على أعدائهم أجمعين » .

قال الله تبارك وتعالى :

﴿ إِنَّمَا يُرِيدُ اللَّهُ لِيُذْهِبَ عَنْكُمُ الرِّجْسَ أَهْلَ الْبَيْتِ وَيُطَهِّرَكُمْ تَطْهِيرًا ﴾<sup>(۱)</sup> .

خداوند فقط می خواهد پلیدی [گناه] را از شما اهل بیت دور کند و شما را کاملاً پاک سازد .

### چکیده سخن

در جلسه قبل ، آیه تطهیر را بیان کردیم و گفت و گو در مورد این آیه را با بررسی و تأمل در واژه ها و کلمات آن آغاز نمودیم . اولین کلمه در این آیه « إِنَّمَا » بود که از آن ، برای حصر و اختصاص مقام طهارت و عصمت در اهل بیت عليهم السلام استفاده می شود .

کلمه دیگر « یرید » بود . که بعد از بیان معنای لغوی « اراده » گفتیم که اراده خداوند متعال به دو قسم تشریحی و تکوینی تقسیم می شود . اکنون در مورد اینکه منظور از اراده در آیه تطهیر ، کدام قسم از اراده است ، بحث می کنیم .

۱ . سورة احزاب ، آیه ۳۳ .



شود، عذاب او دو چندان خواهد بود و این برای خدا آسان است و هر کس از شما برای خدا و پیامبرش خضوع کند و عمل صالح انجام دهد پاداش او را دو چندان خواهیم ساخت و روزی پرارزشی برای او آماده کرده ایم.

طبق این دو آیه شریف، همان طور که عقاب معصیت همسران پیامبر ﷺ دو برابر است، ثواب عمل صالح آنان نیز دو برابر خواهد بود.

خداوند متعال در آیه سی و دوم این سوره، یکی از نشانه‌های تقوا را برای همسران پیامبر ﷺ در شیوه سخن گفتن آنان با نامحرمان می‌داند و به آنان دستور می‌دهد که هنگام رو به رو شدن با مردان نامحرم، به گونه‌ای سخن نگویند که انسان بیمار دل و هوسران را به طمع وادار نمایند.

﴿ يَا نِسَاءَ النَّبِيِّ لَسْتُنَّ كَأَحَدٍ مِنَ النِّسَاءِ إِنِ اتَّقَيْتُنَّ فَلَا تَخْضَعْنَ بِالْقَوْلِ فَيَطْمَعَ الَّذِي فِي قَلْبِهِ مَرَضٌ وَقُلْنَ قَوْلًا مَعْرُوفًا ﴾ (۱).

ای همسران پیامبر! شما همچون یکی از زنان معمولی نیستید، اگر تقوا پیشه کنید، پس به گونه‌ای هوس‌انگیز سخن نگویند که بیمار دلان در شما طمع کنند و سخن شایسته بگویند.

خداوند تبارک و تعالی در ادامه به همسران پیامبر ﷺ فرمان می‌دهد که در خانه بمانند و مانند زنان دوران جاهلیت - که عفت و حجاب خود را رعایت نمی‌کردند - نباشند.

﴿ وَقَرْنَ فِي بُيُوتِكُنَّ وَلَا تَبَرَّجْنَ تَبَرُّجَ الْجَاهِلِيَّةِ الْأُولَى وَأَقِمْنَ الصَّلَاةَ وَآتِينَ الزَّكَاةَ وَأَطِعْنَ اللَّهَ وَرَسُولَهُ ﴾ (۲).

۱. همان، آیه ۳۲.

۲. همان، آیه ۳۳.

و در خانه بمانید و همچون دوران جاهلیت نخستین [میان مردم] ظاهر نشوید و نماز را به پا دارید و زکات را بپردازید و خدا و رسولش را اطاعت کنید.

خداوند متعال در ادامه آیه سی و سوم این سوره، اراده خود را در مورد طهارت و عصمت اهل بیت علیهم السلام بیان نموده و می‌فرماید:

﴿ إِنَّمَا يُرِيدُ اللَّهُ لِيُذْهِبَ عَنْكُمُ الرِّجْسَ أَهْلَ الْبَيْتِ وَيُطَهِّرَكُمْ تَطْهِيرًا ﴾ (۱).

خداوند فقط می‌خواهد پلیدی [گناه] را از شما اهل بیت علیهم السلام دور کند و شما را کاملاً پاک سازد.

همان طور که بیان شد لحن و شیوه سخن در این آیه، از مؤنث به مذکر تغییر کرده است. بسیاری از مفسران شیعه از جمله علامه طباطبایی رحمته الله علیه با وجود این که قرآن کریم را از هرگونه تحریف مصون می‌دانند، در مورد این آیه احتمال جا به جایی آن را زیاد دانسته‌اند.

مرحوم علامه طباطبایی رحمته الله علیه می‌نویسد:

« فالآية لم تكن بحسب النزول من آيات نساء النبي ولا متصلةً بها وإنما وضعت بينها إما بأمر من النبي صلى الله عليه وآله وسلم أو عند التأليف بعد الرحلة » (۲).

آیه تطهیر بر حسب نزول، جزء آیاتی نیست که در مورد همسران پیامبر اسلام صلى الله عليه وآله وسلم نازل شده است و حتی به این آیات متصل هم

۱. همان.

۲. المیزان، جلد ۱۶، صفحه ۳۱۲.

نیست و اگر بین این آیات قرار داده شده یا به دستور پیامبر گرامی اسلام ﷺ بوده یا بعد از رحلت ایشان ﷺ در این بخش از قرآن کریم نهاده شده است.

به نظر می‌رسد آیه تطهیر، در مقام بیان سبب و علت فرمان به طاعت همسران پیامبر ﷺ از خدا و رسول خدا ﷺ است. به عبارت دیگر، علت لزوم اطاعت از خداوند تبارک و تعالی روشن است؛ چرا که ذات اقدس الهی خالق همه موجودات و انسان‌ها، خوبی‌ها، فضایل و پاکی‌ها است. اما اینکه خداوند متعال به همسران پیامبر ﷺ دستور می‌دهد که از رسول خدا ﷺ اطاعت کنند به این دلیل است که پیامبر ﷺ و خاندان ایشان علیهم‌السلام، که جانشینان پیامبر ﷺ هستند، از همه پلیدی‌ها و زشتی‌ها پاک و منزّه‌اند. لازم به ذکر است که این نکته در متون تفسیر اهل سنت بیان نشده است و در متون تفسیر شیعه نیز ظاهراً قائلی ندارد.

### اراده از صفات فعل

از گذشته میان متکلمان و محدثان این بحث مطرح بوده که اراده از صفات ذات خداوند محسوب می‌شود یا از صفات فعل. محدثان آن را از صفات فعل می‌دانند و دلایل مختلفی برای آن ارائه می‌کنند.

شناخت و درک صفات ذاتیه و صفات فعلیه، به تفکر عمیق و دقیق نیاز دارد و فهم آن برای عموم مشکل خواهد بود؛ به همین دلیل در ادامه، توضیحات کامل‌تری ارائه خواهیم نمود. همچنین ممکن است در طول مباحث، شبهاتی در ذهن ایجاد شود؛ لذا توصیه می‌شود برای برطرف شدن این شبهات، مباحث

مطرح شده در جلسات بعد پیگیری شود.

گفته شد که حضرت امام صادق علیه السلام در تفسیر و توضیح اراده مخلوقات و اراده خداوند متعال می فرمایند:

«الإرادة من الخلق، الضمير وما يبدولهم بعد ذلك من الفعل، وأمّا من الله تعالى فإرادته إحداثه لا غير ذلك»<sup>(۱)</sup>.

اراده مخلوق عزم و قصد برای انجام فعل است و فعلی است که در خارج بعد از آن قصد، از آن‌ها ظاهر می شود؛ اما اراده خداوند احداث و ایجاد است نه غیر آن.

طبق این روایت شریف، اراده بر خلاف نظر اهل حکمت و فلاسفه<sup>(۲)</sup> از صفات فعل محسوب می شود نه از صفات ذات.

ملاکی که متکلمان و محدثان در ذاتی بودن یک صفت به آن قائل هستند این است که صفتی جزء صفات ذات محسوب می شود که ضد آن صفت در ذات خداوند متعال محال باشد؛ به عنوان مثال، علم خداوند متعال، سمیع بودن، بصیر بودن، حکیم بودن و عزیز بودن خداوند<sup>(۳)</sup> همه جزء صفات ذات ربوبی هستند؛ چرا که ضد آن‌ها (جهل، ناشنوایی، نابینایی، ضلالت و ذلت) در ذات اقدس الهی وجود ندارد.

اما نقطه مقابل اراده، اراده نکردن است و اراده نکردن همانند اراده کردن در ذات خداوند تبارک و تعالی وجود دارد؛ بنابراین اراده صفت فعل است و نمی توان

۱. کافی، جلد ۱، صفحه ۱۰۹.

۲. کشف المراد، صفحه ۳۱۴.

۳. ﴿وَلِلَّهِ الْعِزَّةُ وَلِرَسُولِهِ وَلِلْمُؤْمِنِينَ﴾؛ عزت مخصوص خدا و رسول او و مؤمنان است. (سوره منافقون، آیه ۸)

آن را از صفات ذات دانست<sup>(۱)(۲)</sup>.

چنانچه بیان گردید اراده خداوند متعال بر دو قسم است:

#### ۱. اراده تشریحیه: خداوند متعال احکام و قوانینی در مقام قانون گذاری اراده

نموده است. این احکام که در شرع مقدس وارد شده و توسط رسولان الهی ﷺ به مردم ابلاغ گردیده است، اراده تشریحی نام دارند.

خداوند متعال می فرماید:

﴿وَمَنْ كَانَ مَرِيضًا أَوْ عَلَى سَفَرٍ فَعِدَّةٌ مِنْ أَيَّامٍ أُخَرَ يُرِيدُ اللَّهُ بِكُمُ الْيُسْرَ وَلَا يُرِيدُ بِكُمُ الْعُسْرَ﴾<sup>(۳)</sup>.

و آن کس که بیمار یا در سفر است، روزهای دیگری را به جای آن

روزه بگیرد. خداوند راحتی شما را می خواهد نه زحمت شما را.

خداوند متعال در این آیه می فرماید که بر انسان مریض و مسافر، روزه قرار داده نشده است و آنها باید بعد از ماه مبارک رمضان، روزه های دوران بیماری و سفر خود را قضا کنند و بعد از واژه «یرید» قانون الهی آسان گیری بر بندگان را بیان می کند.

#### ۲. اراده تکوینیه: که همان احداث، ایجاد و آفرینش است به گونه ای که به

محض اراده کردن چیزی، آن چیز موجود می شود.

خداوند متعال می فرماید:

﴿إِنَّمَا أَمْرُهُ إِذَا أَرَادَ شَيْئًا أَنْ يَقُولَ لَهُ كُنْ فَيَكُونُ﴾<sup>(۴)</sup>.

۱. اعتقادات (شیخ صدوق)، صفحه ۲۷.

۲. طلاب محترم و دانشجویانی که در رشته معارف یا فلسفه تحصیل می کنند، بدانند تمام مطالبی که در فلسفه و حکمت بیان می شود مطابق نظرات شارع مقدس نیست.

۳. سوره بقره، آیه ۱۸۵.

۴. سوره یس، آیه ۸۲.

فرمان او چنین است که هر گاه چیزی را اراده کند تنها به آن می‌گوید: موجود باش! آن نیز بی‌درنگ موجود می‌شود.

بعد از آن که مفهوم اراده و اقسام آن تبیین گردید، این پرسش به ذهن خطور می‌کند: ارادهٔ خداوند متعال برای پاک و منزّه بودن عده‌ای خاص (اهل بیت علیهم‌السلام) به چه معنایی است؟

اگر منظور از این اراده، ارادهٔ تکوینی الهی باشد، به این معنا خواهد بود که خداوند متعال این گروه خاص را با ویژگی و امتیاز عصمت و طهارت خلق کرده است. ایشان علیهم‌السلام مجبور هستند پاکیزه باشند؛ حتی اگر هم بخواهند نمی‌توانند گناهی را مرتکب شوند. در این صورت، ویژگی عصمت و طهارت هیچ امتیازی برای آنان علیهم‌السلام به دنبال نخواهد داشت؛ زیرا فرض این است که ایشان علیهم‌السلام از انجام معصیت، گناه و عمل ناروا و ناپسند ناتوان هستند و اگر کسی از شیعیان و پیروان این گروه خاص بپرسد که: چرا شما از آنان پیروی می‌کنید؟ آن‌ها نخواهند توانست در توجیه اطاعت و پیروی خویش، به مقام عصمت و طهارت این گروه خاص استناد کنند.

برای یافتن پاسخ این پرسش باید مفهوم اذهاب رجس و واژهٔ تطهیر را - که معنا و چگونگی عصمت را تبیین می‌کنند - مورد بررسی قرار دهیم<sup>(۱)</sup>.

### اذهاب رجس

سومین واژه قابل تأمل در آیهٔ تطهیر «رجس» است. برای پی بردن به

۱. همان گونه که فقها هنگام بحث از عدالت ابتدا معنا و مفهوم آن را منقح می‌کنند و سپس به فروغ بحث مانند عدالت امام جماعت، عدالت شاهد و ... می‌پردازند، در اینجا نیز ابتدا باید معنای عصمت روشن شود.

معنای رجس باید به متون لغوی مراجعه نمود. در لغت، رجس این گونه معنا شده است:

الرجس بالكسر القذر والمأثم وكل ما استقذر من العمل والعمل  
المؤدّي إلى العذاب والشكّ والعقاب والغضب»<sup>(۱)</sup>.

رجس به معنای پلیدی، گناه و هر کار زشت است، همچنین به عملی که به عذاب و شک و عقاب و خشم منجر شود نیز رجس اطلاق می‌شود.

طبق این تعریف، هم به چیزهایی که در عالم خارج به عنوان پلیدی شناخته می‌شوند رجس اطلاق می‌شود و هم به اعمال زشت و پلید مانند: دروغ، شرب خمر و ....

در مفردات راغب اصفهانی آمده است<sup>(۲)</sup>:

«الرجس، الشيء القذر»<sup>(۳)</sup>.

رجس به معنای هر چیز پلید است.

علامه طباطبایی رحمته الله در توضیح معنای فوق می‌گوید:

«القدارة هو الوصف الذي يتبعه ويتنزه عن الشيء بسببه، لتنفّر الطبع عنه»<sup>(۴)</sup>.

۱. القاموس المحيط، جلد ۲، صفحه ۲۲۷: تاج العروس، جلد ۱۶، صفحه ۱۱۴: لسان العرب، جلد ۶، صفحه ۹۴. این سه کتاب از مهم ترین کتاب‌های لغت هستند که مفسران به آنها در زمینه تفسیر مراجعه می‌کنند. (لازم به ذکر است که کتاب تاج العروس، کتاب القاموس المحيط را شرح می‌دهد).

۲. این کتاب در بیان معنای لغات قرآن کریم است و در یک جلد منتشر شده که برای تفسیر قرآن لازم است.

۳. مفردات راغب، صفحه ۱۹۳.

۴. تفسیر المیزان، جلد ۶، صفحه ۱۲۰.

آنچه انسان به خاطر نفرت طبع خود از آن دوری می‌گزیند و از آن نفرت دارد قدر است.

### «رجس» در قرآن کریم

کلمه «رجس» ده بار در آیات قرآن کریم به کار رفته است. این واژه در بعضی از آیات به معنای پلیدی ظاهری و مادی است؛ مانند:

﴿قُلْ لَا أَجِدُ فِي مَا أُوحِيَ إِلَيَّ مُحَرَّمًا عَلَى طَاعِمٍ يَطْعَمُهُ إِلَّا أَنْ يَكُونَ مَيْتَةً أَوْ دَمًا مَسْفُوحًا أَوْ لَحْمَ خِنزِيرٍ فَإِنَّهُ رِجْسٌ﴾<sup>(۱)</sup>.

بگو: در آنچه بر من وحی شده هیچ غذای حرامی نمی‌یابم؛ به جز اینکه مردار باشد یا خونی که [از بدن حیوان] بیرون ریخته یا گوشت خوک که اینها همه پلیدند.

موارد ذکر شده در این آیه (خون، گوشت مردار و گوشت خوک) از مصادیق رجس ظاهری هستند؛ البته رجس در آیات متعددی به معنای پلیدی و قذارت معنوی است. خداوند متعال می‌فرماید:

۱. ﴿فَمَنْ يُرِدِ اللَّهُ أَنْ يَهْدِيَهُ يَشْرَحْ صَدْرَهُ لِلْإِسْلَامِ وَمَنْ يُرِدْ أَنْ يُضِلَّهُ يَجْعَلْ صَدْرَهُ ضَيِّقًا حَرَجًا كَأَنَّمَا يَصْعَدُ فِي السَّمَاءِ كَذَلِكَ يَجْعَلُ اللَّهُ الرِّجْسَ عَلَى الَّذِينَ لَا يُؤْمِنُونَ﴾<sup>(۲)</sup>.

آن کس را که خدا بخواهد هدایت کند، سینه‌اش را برای [پذیرش] اسلام، گشاده می‌سازد و آن کس را که [به خاطر اعمال خلافش]

۱. سوره انعام، آیه ۱۴۵.

۲. همان، آیه ۱۲۵.

بخواهد گمراه سازد، سینه‌اش را آنچنان تنگ می‌کند که گویا می‌خواهد به آسمان بالا برود؛ این گونه خداوند پلیدی را بر افرادی که ایمان نمی‌آورند قرار می‌دهد.

در این آیه شریف، «رجس» بر ضلالت و گمراهی، انحراف درونی و خلأ روحی اطلاق شده است.

دو نکته در مورد آیه:

الف - در قرآن کریم «صدر و قلب» به جای «فکر و عقل» به کار رفته است که در آینده به دلیل آن اشاره خواهیم کرد.

ب - یکی از ابعاد اعجاز قرآن، اعجاز علمی است. در لا به لای آیات قرآن به مطالبی اشاره شده است که در زمان نزول قرآن، فهم آنها برای مردم، مشکل بود؛ ولی با گذشت زمان و پیشرفت بشر در علوم مختلف، امروزه همان علوم از بدیهیات به شمار می‌روند؛ از جمله این موارد، تشبیهی است که در آیه فوق به کار رفته است.

در آیه مذکور، کیفیت تنگی نفس و سینه انسان‌های گمراه، به فردی تشبیه شده است که بر اثر صعود به آسمان، سینه‌اش تنگ و نفس کشیدن برای او سخت شده است. امروزه دانشمندان، به این مطلب دست یافته‌اند که هر چه در فضا به سمت بالا صعود کنیم، اکسیژن کم می‌شود و نفس کشیدن مشکل می‌گردد.

البته موارد دیگری در آیات قرآن وجود دارد که هنوز انسان با وجود پیشرفت در علوم، از درک آنها ناتوان است.

۲. ﴿وَمَا كَانَ لِنَفْسٍ أَنْ تُؤْمِنَ إِلَّا بِإِذْنِ اللَّهِ وَيَجْعَلُ الرَّجْسَ عَلَى الَّذِينَ

لَا يَعْقِلُونَ ﴿١﴾.

هیچ کس نمی تواند ایمان بیاورد جز به فرمان خدا [و توفیق، یاری و هدایت او] و پلیدی [کفر و گناه] را بر کسانی قرار می دهد که نمی اندیشند.

در این آیه شریف بر ضلالت و گمراهی - که زایدۀ شک و تردید در خداوند است - رجس اطلاق شده است.

۳. ﴿وَأَمَّا الَّذِينَ فِي قُلُوبِهِمْ مَرَضٌ فَزَادَتْهُمْ رِجْسًا إِلَىٰ رِجْسِهِمْ وَمَاتُوا وَهُمْ كَافِرُونَ﴾ (۲).

و اما آنها که در دلهاشان بیماری است، پلیدی بر پلیدیشان افزوده شد و از دنیا رفتند در حالی که کافر بودند.

در این آیه به طور صریح، رجس بر بیماری درون اطلاق شده است. درباره «بیمار دلان» که در این آیه شریف از آنان سخن به میان آمد، علاقه مندان می توانند به کتاب و جزوه های مربوطه مراجعه نمایند (۳).

۴. ﴿فَاجْتَنِبُوا الرِّجْسَ مِنَ الْأَوْثَانِ﴾ (۴).

از بت های پلید اجتناب کنید.

۵. ﴿إِنَّمَا الْحَمْرُ وَالْمَيْسِرُ وَالْأَنْصَابُ وَالْأَزْلَامُ رِجْسٌ مِّنْ عَمَلِ الشَّيْطَانِ﴾ (۵).

۱. سوره یونس، آیه ۱۰۰.

۲. سوره توبه، آیه ۱۲۵.

۳. ر. ک: سیری در آیات ولایت و امامت، جلد ۲، صفحه ۲۷.

۴. سوره حج، آیه ۳۰.

۵. سوره مائده، آیه ۹۰.

شراب و قمار و بتها و ازلام (نوعی بخت آزمایی)، پلید و از عمل شیطان هستند.

کلمه رجس مشترک است؛ یعنی در معنای پلیدی معنوی و مادی به کار می‌رود. در این دو آیه شریف رجس به معنای پلیدی پرستش بت‌ها است؛ زیرا اطلاق رجس بر اشیایی که بت را از آنها می‌ساختند همچون چوب، سنگ و در مواردی خوراکیها (خرما و...) صحیح نمی‌باشد. زیرا این اشیا ذاتاً نجس و پلید نیستند مگر اینکه در اثر عارضه‌ای نجس و پلید شوند<sup>(۱)</sup>.

۶. ﴿قَدْ وَقَعَ عَلَيْكُمْ مِنْ رَبِّكُمْ رِجْسٌ وَغَضَبٌ﴾<sup>(۲)</sup>.

پلیدی و غضب پروردگارتان شما را فرا گرفته است.

این آیه در پاسخ مشرکان نازل شد. رسول الله ﷺ مشرکان را به توحید و یکتا پرستی دعوت نمودند؛ ولی آنها از پذیرش دعوت رسول خدا ﷺ سرپیچی کرده، گفتند:

۷. ﴿أَجِئْتَنَا لِنَعْبُدَ اللَّهَ وَحْدَهُ وَنَذَرَ مَا كَانَ يَعْبُدُ آبَاؤُنَا﴾<sup>(۳)</sup>.

آیا به سراغ ما آمده‌ای که تنها خدای یگانه را بپرستیم و آنچه را

پدران ما می‌پرستیدند رها کنیم؟!

بنابراین در آیه مورد بحث، انحراف مشرکان و سرپیچی آنان از پذیرش توحید، رجس و پلیدی دانسته شده است.

۱. در متون تاریخی آمده است، بت پرستان بتی را از خرما ساخته بودند. یک سال قحطی و خشکسالی روی داد. آنان از این بت تقاضای باران و پایان یافتن قحطی را نمودند. هنگامی که قحطی پایان نیافت و از بت نیز کاری بر نیامد، در اثر گرسنگی آن بت را خوردند.

۲. سوره اعراف، آیه ۷۱.

۳. همان، آیه ۷۰.

## رجس در آیه تطهیر

کلمه «رجس» در آیه تطهیر به معنای پلیدی، قذارت و زشتی معنوی است؛ یعنی خداوند با قدرت خود، پلیدی‌های معنوی را از خاندان عصمت و طهارت علیهم‌السلام زدوده و از آنها دور کرده است. با رخت بر بستن پلیدی و زشتی از ایشان علیهم‌السلام، طهارت جایگزین آن می‌شود؛ از این رو کاربرد کلمه رجس در این آیه به معنای پلیدی ظاهری، نامفهوم است و مناسبتی ندارد.

## طهارت در آیات

کلمه «طهارت» نیز مانند کلمه «رجس» در قرآن کریم، در دو معنا به کار رفته است:

الف - طهارت در امور مادی:

۱. ﴿وَيُنزِلُ عَلَيْكُمْ مِنَ السَّمَاءِ مَاءً لِيُطَهِّرَ كُمْ بِهِ﴾<sup>(۱)</sup>.

و آبی از آسمان برایتان فرستاد، تا شما را با آن پاک کند.

۲. ﴿وَإِنْ كُنْتُمْ جُنُبًا فَاطَّهَّرُوا﴾<sup>(۲)</sup>.

و اگر جنب شدید، خود را بشویید [و غسل کنید].

ب - طهارت در امور معنوی:

۱. ﴿خُذْ مِنْ أَمْوَالِهِمْ صَدَقَةً تُطَهِّرُهُمْ وَتُزَكِّيهِمْ﴾<sup>(۳)</sup>.

۱. سوره انفال، آیه ۱۱.

۲. سوره مائده، آیه ۶.

۳. سوره توبه، آیه ۱۰۳.

از اموال آنها صدقه‌ای [به عنوان زکات] بگیر تا به وسیله آن، آنها را پاک سازی و پرورش دهی.

منظور از آیه شریف این نیست که اگر مقداری از مال را بردارید و به عنوان صدقه پیردازید، مالتان پاکی و طهارت ظاهری را به دست می‌آورد؛ زیرا گندم و چیزهایی که زکات و خمس به آنها تعلق می‌گیرد، مانند آب انگور نیستند که بعد از جوشیدن و بخار شدن دو سوم آن پاک شوند (طهارت ظاهری)، بلکه مراد آن است که اموال دنیا، به این علت که متعلق به دنیا هستند؛ پلید و نجس هستند؛ ولی وقتی حق خداوند از آن جدا شد، پاک می‌شوند و طهارت معنوی پیدا می‌کنند.

۲. ﴿يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا إِذَا نَاجَيْتُمُ الرَّسُولَ فَقَدِمُوا بَيْنَ يَدَيْهِ نَجْوَاكُمْ صَدَقَةٌ ذَلِكُمْ خَيْرٌ لَّكُمْ وَأَطْهَرُ...﴾<sup>(۱)</sup>.

ای کسانی که ایمان آورده‌اید! هنگامی که می‌خواهید با رسول خدا نجوا کنید [و سخنان در گوشه بگویید]، قبل از آن، صدقه [در راه خدا] بدهید، این برای شما بهتر و پاکیزه‌تر است.

مسلمانان در صدر اسلام به علت پرسش‌ها و درخواست‌های متعدد خود از پیامبر ﷺ، اسباب مزاحمت و آزرده شدن ایشان ﷺ را فراهم می‌آوردند. این آیه برای آنان نازل شد و دستور داد، هر کس قصد سخن گفتن با پیامبر ﷺ را دارد باید قبل از آن صدقه بدهد. صدقه در این حال مایه خیر و پاکی معنوی می‌شود؛ زیرا فرد، با گذشتن از مال دنیا برای رسول خدا ﷺ نوعی از طهارت را در خود ایجاد نموده و خود را پاکیزه نشان داده است.

۱. سوره مجادله، آیه ۱۲.

۳. ﴿يَا أَيُّهَا الرَّسُولُ لَا يَحْزُنكَ الَّذِينَ يُسَارِعُونَ فِي الْكُفْرِ مِنَ الَّذِينَ قَالُوا آمَنَّا بِأَفْوَاهِهِمْ وَلَمْ تُؤْمِن قُلُوبُهُمْ... أُولَئِكَ الَّذِينَ لَمْ يُرِدِ اللَّهُ أَنْ يُطَهِّر قُلُوبَهُمْ لَهُمْ فِي الدُّنْيَا خِزْيٌ وَلَهُمْ فِي الْآخِرَةِ عَذَابٌ عَظِيمٌ﴾ (۱).

ای فرستاده خدا! آنها که در مسیر کفر شتاب می‌کنند و با زبان می‌گویند: «ایمان آوردیم» و قلب آنها ایمان نیاورده، تو را اندوهگین نسازند...، آنها کسانی هستند که خدا نخواسته دل‌هایشان را پاک کند؛ در دنیا رسوایی و در آخرت مجازات بزرگی نصیبشان خواهد شد.

این آیه شریف، مربوط به کافرانی است که نزد پیامبر ﷺ شهادتین را بر زبان جاری ساختند و ظاهراً اسلام آوردند؛ ولی مدتی بعد، از ایمان خود برگشته و نیت درونی و پلید خود را آشکار کردند و پیامبر ﷺ از رفتار آنان ناراحت شدند. خداوند در مقام دل‌داری ایشان ﷺ این آیات را نازل نمود و فرمود: اندوهگین نباش؛ زیرا ایمان آنها زبانی و ظاهری بود و در دلشان نفوذ نکرده بود؛ خداوند پاکی درون آنان را اراده نفرموده است؛ چرا که هرگز درون آنان از پلیدی‌ها و زشتی‌ها تهی نمی‌شود.

﴿وَالَّذِينَ اتَّخَذُوا مَسْجِدًا ضِرَارًا وَكُفْرًا وَتَفْرِيقًا بَيْنَ الْمُؤْمِنِينَ وَإِزْوَادًا لِمَنْ حَارَبَ اللَّهَ وَرَسُولَهُ مِنْ قَبْلُ وَلَيَحْلِفْنَ إِنْ أَرَدْنَا إِلَّا الْحُسْنَىٰ وَاللَّهُ يَشْهَدُ إِنَّهُمْ لَكَاذِبُونَ \* لَا تَقُمْ فِيهِ أَبَدًا لِمَسْجِدٍ أُسِّسَ عَلَى التَّقْوَىٰ مِنْ أَوَّلِ يَوْمٍ أَحَقُّ أَنْ تَقُومَ فِيهِ فِيهِ رِجَالٌ يُحِبُّونَ أَنْ يَتَطَهَّرُوا وَاللَّهُ يُحِبُّ الْمُطَهَّرِينَ﴾ (۲).

۱. سوره مائده، آیه ۴۱.

۲. سوره توبه، آیه ۱۰۷-۱۰۸.

[گروهی دیگر از آنها] کسانی هستند که مسجدی ساختند برای زیان رساندن [به مسلمانان]، و [تقویت] کفر، و تفرقه افکنی میان مؤمنان و کمینگاه برای کسی که از پیش با خدا و پیامبرش مبارزه کرده بود؛ آنها سوگند یاد می‌کنند که جز نیکی نظری نداشته‌ایم؛ اما خداوند گواهی می‌دهد که آنها دروغگو هستند. هرگز در آن [مسجد به عبادت] نایست! آن مسجدی که از روز نخست بر پایه تقوا بنا شده، شایسته تراست که در آن [به عبادت] بایستی، در آن، مردانی هستند که دوست دارند پاکیزه باشند و خداوند پاکیزگان را دوست می‌دارد.

در این آیه نیز مراد از «طهارت» پاکیزگی درون است و معنا کردن آن به پاکیزگی ظاهر (یعنی افراد همیشه قبل از ورود به مسجد به حمام رفته، خود را پاکیزه کنند) معقول نیست.

نکته دیگر اینکه، آیات فوق درباره مسجدی است که عده‌ای در مدینه آن را برای اهداف خاصی بنا کرده بودند و برای افتتاح آن، رسول الله ﷺ را دعوت نمودند. خداوند در این آیات، پیامبر ﷺ را از ورود به آن مسجد نهی نمود و فقط در مساجدی اجازه مدیریت و اقامت داد که از ابتدا بر اساس پاکی و نیت‌های پاک بنا شده باشد؛ زیرا در این مساجد افرادی حاضر می‌شوند که نیت آنها رشد و کمال است و می‌خواهند در سایه حضور در آن مساجد، از آلودگی‌ها و گناهان پاک شوند. آنچه از مطالب و آیات مطرح شده به دست می‌آید آن است که طهارت و رجس در آیات قرآن کریم به معنای طهارت مادی و معنوی و پلیدی مادی و معنوی است.

## قلب سلیم

گفتیم که اراده خداوند متعال، به طهارت اهل بیت علیهم السلام و تنزه ایشان علیهم السلام از رجس و پلیدی‌ها تعلق گرفته و اراده خداوند سبحان به گونه‌ای است که ابتدا اسباب به وجود آمدن آنچه را که اراده کرده آماده می‌کند:

«إِذَا أَرَادَ اللَّهُ شَيْئًا، هَيَّأَ سَبَابَهُ»<sup>(۱)</sup>.

زمانی که خداوند متعال چیزی را اراده کند، اسباب آن را آماده می‌نماید.

در مورد عصمت و طهارت اهل بیت علیهم السلام نیز این قاعده کلی جاری است. اما پرسشی که به ذهن می‌رسد این است: آیا دیگر انسان‌ها هم می‌توانند به طهارت روح و روان دست یابند و «قلب سلیم» داشته باشند؟

گفتنی است که «قلب سلیم» در دو مورد در قرآن کریم به کار رفته است:

۱. ﴿وَإِنْ مِنْ شَيْعَتِهِ لِإِبْرَاهِيمَ \* إِذْ جَاءَ رَبَّهُ بِقَلْبٍ سَلِيمٍ﴾<sup>(۲)</sup>.

و از پیروان او ابراهیم علیه السلام بود [به خاطر بیاور] هنگامی را که با قلب سلیم به پیشگاه پروردگارش آمد.

۲. ﴿وَلَا تُحْزِنِي يَوْمَ يُبْعَثُونَ \* يَوْمَ لَا يَنْفَعُ مَالٌ وَلَا بَنُونَ \* إِلَّا مَنْ أَتَى اللَّهَ بِقَلْبٍ سَلِيمٍ﴾<sup>(۳)</sup>.

در آن روز که مردم برانگیخته می‌شوند، مرا شرمنده و رسوا

۱. شرح اصول کافی (محمد صالح مازندرانی)، جلد ۴، صفحه ۲۰۰.

۲. سوره صافات، آیه ۸۳-۸۴.

۳. سوره شعراء، آیه ۸۷-۸۹.

مکن، در آن روز که مال و فرزندان سودی نمی‌بخشند مگر کسی که با قلب سلیم به پیشگاه خدا آید.

در پاسخ پرسش اساسی مذکور باید بگوییم که دست یافتن به قلبی سلیم و پاک از پلیدی‌ها و زشتی‌ها برای تمام انسان‌ها ممکن است؛ چرا که اگر چنین امری ممکن و قابل دسترسی نبود، خداوند متعال از زبان حضرت ابراهیم علیه السلام نمی‌فرمود که نجات یافتگان در روز قیامت، فقط کسانی هستند که با قلب سلیم در پیشگاه الهی حاضر شوند.

شخصی از حضرت امام صادق علیه السلام در مورد فراز ﴿إِلَّا مَنْ أَتَى اللَّهَ بِقَلْبٍ

سلیم﴾<sup>(۱)</sup> سؤال کرد، ایشان علیه السلام فرمودند:

«السلیم الذی یلقى ربّه و لیس فیهِ أحد سواه و قال: وکلّ قلب فیهِ شکّ أو شرک فهو ساقط، و إنّما أرادوا الزهد فی الدنیا لتفرغ قلوبهم للآخرة»<sup>(۲)</sup>.

قلب سلیم آن است که به دیدار پروردگارش می‌شتابد در حالی که هیچ کس به غیر از خداوند در دلش نیست و فرمودند: هر قلبی که تردید و شبهه‌ای در آن باشد از این مقام ساقط است؛ زیرا آنها زهد در دنیا را اراده نموده‌اند تا دل‌های خود را برای آخرت آماده کنند.

البته راه رسیدن به قلب سلیم، کسب علم و معرفت نسبت به ذات اقدس الهی

۱. همان، آیه ۸۹.

۲. بحار الأنوار، جلد ۶۷، صفحه ۵۹؛ کافی، جلد ۲، صفحه ۱۶؛ وسائل الشیعه، جلد ۱، صفحه ۶۰.

است و هر چه معرفت و شناخت انسان در این زمینه افزایش یابد، توحید و مبانی اعتقادی او هم قوی تر خواهد شد.

رسول گرامی اسلام ﷺ در اهمیّت کسب علم در حوزه علوم دین می‌فرماید:

« إِذَا أَرَادَ اللَّهُ بِعَبْدٍ خَيْرًا، فَقَّهَ فِي الدِّينِ »<sup>(۱)</sup>.

زمانی که خداوند متعال برای بنده‌ای خیری بخواهد، او را فقیه و دانشمند در دینش قرار می‌دهد.

بنابراین داشتن قلب سلیم همانند مقام عصمت، دارای مقدمات علمی و از مقوله علم است با این تفاوت که علم لازم برای رسیدن به قلب سلیم علم حصولی و علم لازم برای رسیدن به مقام عصمت، علم حضوری است.

به امید و یاری خداوند تبارک و تعالی در جلسه بعد با بیانی ساده و روان به تعریف علم حصولی و علم حضوری و فرق بین آن دو خواهیم پرداخت.

« وَالسَّلَامُ عَلَيْكُمْ وَرَحْمَةُ اللَّهِ وَبَرَكَاتُهُ »

۱. بحار الأنوار، جلد ۱، صفحه ۲۱۷؛ کافی، جلد ۱، صفحه ۳۲.

## خودآزمایی

- ① در آیه ۳۲ سوره احزاب خداوند متعال کدام عمل را برای همسران پیامبر ﷺ نشانه تقوا می‌داند؟
- ② چرا خداوند متعال به همسران پیامبر ﷺ دستور می‌دهد که از رسول خدا ﷺ و اهل بیت ایشان اطاعت کنند؟
- ③ آیا اراده از صفات ذات است یا صفات فعل؟
- ④ ملاک محدثان برای ذاتیه یا فعلیه بودن یک صفت چیست؟
- ⑤ آیا منظور از اراده در آیه تطهیر، اراده تکوینیه است؟ چرا؟
- ⑥ رجس در لغت به چه معنا است؟
- ⑦ اعجاز علمی به کار رفته در آیه ۱۲۵ سوره انعام چیست؟
- ⑧ رجس در آیه تطهیر، به معنای پلیدی ظاهری است یا پلیدی معنوی؟
- ⑨ طهارت در قرآن کریم در چند معنا به کار رفته است؟ مثال بزنید.
- ⑩ آیا دستیابی به قلب سلیم برای تمام انسان‌ها ممکن است؟ چرا؟
- ⑪ تفاوت دانش دارندگان قلب سلیم با دانش معصومین در چیست؟

به نظر می رسد آیه تطهیر، در مقام بیان سبب و علت فرمان به طاعت همسران پیامبر ﷺ از خدا و رسول خدا ﷺ است، به عبارت دیگر، علت لزوم اطاعت از خداوند تبارک و تعالی روشن است؛ چراکه ذات اقدس الهی خالق همه موجودات و انسان ها، خوبی ها، فضایل و پاکی ها است. اما اینکه خداوند متعال به همسران پیامبر ﷺ دستور می دهد که از رسول خدا ﷺ اطاعت کنند به این دلیل است که پیامبر ﷺ و خاندان ائمه اطهار علیهم السلام، که جانشینان پیامبر ﷺ هستند، از همه پلیدی ها و زشتی ها پاک و منزّه اند. لازم به ذکر است که این نکته در متون تفسیر اهل سنت بیان نشده است و در متون تفسیر شیعه نیز ظاهراً قائلی ندارد.

(صفحه ۷ از همین جزوه)

- محل عرضه CD جلسات به سوی معرفت :  
ابتدای خیابان امام، جنب قائمیه، فروشگاه آوای مهر.
- شماره سیستم پیام کوتاه (SMS) ۳۰۰۷۲۲۷۰۸ می باشد.
- در صورت تمایل به دریافت پیام کوتاه جلسات، شماره تلفن همراه خود یا دوستانتان را با نام به سیستم ارسال کنید.

### محل برگزاری جلسات :

کاشان: حسینیه مرحوم آیت الله یثربی رحمته الله علیه

تلفن: ۴۴۴۳۴۳۴۳-۴۴۴۵۲۷۷-۴۴۴۹۹۳۳

پست الکترونیک: [info@yasrebi.ir](mailto:info@yasrebi.ir)

[www.yasrebi.ir](http://www.yasrebi.ir)